



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۲/۰۳

کاندید اکادميسين سيستانى

## اگر از یک جبار تاریخ انتقاد کرده نتوانیم،

### آیا از جنایتکاران قرن بیستم میتوانیم انتقاد کنیم؟

تعجب میکنم وقتی میبینم یک روشنفکر قرن ۲۱ با پوشیدن چین دموکراسی بخود اجازه میدهد از یک رییس جمهور برحال کشور خود انتقاد کند، ولی اجازه نمیدهد از یک جبار تاریخ در قرن چهاردهم میلادی انتقاد شود؟ این آقا چنان در تار عنکبوت تعصب قومی گیر مانده است که میخواهد حتی از تیمور لنگ یک چهره معصوم و عدالتخواه تصویر کند و انتقاد از او را توهین به قوم او وانمود نماید!

این آقا باید قبل از بیان این سخنان احساساتی و فاقد پشتونه تاریخی یک بار سفرنامه کلاویخو و ظفرنامه شرف الدین علی یزدی و ملفوظات خود تیمور را از نظر مبالغه تا حرفی نزدیک به حقیقت بر زبانش جاری میشد.

قرن ۲۱ یعنی قرن انفجار اطلاعات همگانی است بایک کلیک بر نام تیمور لنگ یا تیمور کورگان در گوگل میتوانست ببیند که چه تصاویر وحشتناکی زیر نام تیمور لنگ ظاهر میشود، این در حالی است که مطالب فراوانی نیز در زیر نام تیمور لنگ ظاهر میگردد که از روی آنها میتوان بر خصلت و خصوصیات روحی و کشور گشایی تیمور آگاهی یافت.

آیا مگر میتوان بدون کشتار و خون ریزی و غارت و چپاول کشورها و ملل مغلوب لقب جهانگشا را کمایی کرد؟ هرگز نه.

این هموطن که نميخواهد کسی از جنایات و کشتار عام مردم توسط یک فاتح در ۶۰۰ یا ۷۰۰ سال قبل از امروز انتقاد صورت گیرد، اما بخودش حق میدهد تا امیر عبدالرحمن خان را که وحدت افغانستان امروزی را تأمین کرد، به حیث یک شاه سفاک و خون ریز و نادرشاه را که مردم کابل را از دست تجاوز دزدان سقوی نجات داد؛ بنام نادر غدار بنامد!

وقتی آدمی از روی عدم آگاهی نه میخواهد کس کلمه «لنگ» را به یک جبار تاریخ نسبت دهد بدین معناست که میخواهد بگوید رشید دوستم در جنگ های کابل گناهی ندارد و آدم کشیها ی او از روی عدالت خواهی بوده است؟! و هرکه او را گلم جمع یا قاتل حداقل ۸ هزار طالب در دشت لیلی بداند همه دروغ و فاقد حقیقت است؟؟؟

بر مبنای چنین پرداخت های غیر واقع بینانه است که ممکن است فر دا رهبران جهادی هم بگویند که کابل را ما ویران نکرده ایم و خون ۶۵ هزار کابلی را نریخته ایم. و محله افشار را نیز ما نابود نساخته ایم. !!!

تیمور لنگ برای آبادی و عمران کشور ما حتی یک خشت هم نگذاشته است و تا جای که دستش رسیده است همه داشته های فرهنگی و دینی ها و خزینه های شهرها را بعد از قتل عام مردم غارت نموده و به سمرقند زادگاه خود انتقال داده است.

تیمور حکومت خود را دنباله حکومت چنگیزی میدانست و میکوشید که راه و رسم او را در اداره ممالک تابعه بکار بندد و به همین مناسبت قسمتی از یاسای چنگیزی را با اصول تعلیمات اسلامی تلفیق کرد و قواعدی که « تزوک تیموری » نام دارد، ترتیب داد. اما این اصول در محیط نظامی بیشتر معتبر و نقش داشت تا محیط اجتماعی و کشوری.

تیمور، خود را ادامه دهنده راه چنگیز می دانست، و بنابراین دست کمی از او در خون ریزی نداشت. بقول مورخان: "تیمور مانند دژحیمی خونخوار و فرو نشاننده نهضت های خلق و در عین حال بازگرداننده ی سنن مغولان به ایران گام نهاد." تیمور دو هزار تن از سرداران را زنده بگور کرد "بدین طریق که دست و پای افراد زنده را بسته و روی آنها را با آجر و ملات می چیدند" ( تاریخ ایران ، نوشته گروهی از مورخین شوروی ، ترجمه ی کریم کشاورز

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

ص، ۴۳۰)

تیموردردرجریان لشکرکشی به اصفهان به هریک از افراد سپاهی فرمان داد که تعداد معینی سربریده تحویل دهد و به این ترتیب "کله منارهای بسیار از هفتاد هزار جمجمه اصفهانیان برپا شد" تیمور در دهلی دستور قتل عام اهالی شهر را داد و بزودی هشتاد هزار جمجمه دردروازه ی شهر روی هم ریخته شده شد. (همان اثر، ص ۴۳۱).

فرامین رسمی امیر تیمور معمولاً مهر میشد و بر حسب اهمیت فرمان، نوشته فرمان برنگ طلائی، قرمز یا سیاه بود و گاه بجای مهر (تمغا) نقش انگشت سلطان (یرلیغ) بکار میرفت. پس از سلطان، امراء و وزراء موقعیت مهمی داشتند و برخی اوقات مسایل مهم با ایشان حل و فصل میشد. حکام و مامورین ولایات قدرت و نفوذ فوق العاده بی داشتند و در پاره ای موارد سلطان پس از تسخیر یک ناحیه و اخذ غنایم و ضبط اموال و تعیین خراج سالانه، منطقه تسخیر شده را به حاکم سابق واگذار میکرد، با قید اینکه خطبه و سکه بنام سلطان باشد.

(مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، چاپ ۱۳۴۴ش، ج ۲، ۱۹۸)

در قاعده این هرم توده مردم روستائی قرار داشتند.

تیمور خود پس از فتح هر شهری، خراج سنگینی بر اهالی وضع می نمود، چنانکه در تبریز و سیستان و اصفهان چون مامورین مالیات وحشیانه به جمع آوری آن پرداختند، مردم شهر بشورش دست زدند و عده بی از مامورین وصول مالیات را کشتند. در نتیجه تیمور خشمگین شد و دستور قتل عام مردم شهرها را صادر کرد. (بیست و پنج سده مالیات، ص ۸۶)

میزان خراجی که تیمور بر اهالی هر شهری پس از فتح آن تعیین میکرد، بستگی به میزان مقاومت مردم در برابر هجوم تیمور داشت، زیرا مقاومت سر سخاتنه مردم دلیل اقتصاد نیرومند مردم یک ناحیه بود و برای آنکه مردم را ضعیف تر ساخته باشد، خراج کمرشکنی بر اهالی میگذاشت و در صورتی که از پرداخت آن سر باز میزدند، امر قتل عام شان را میداد. واضح است که در سبزووار هرات و زرنج مرکز سیستان و حصار طاق، تیمور با چنین مقاومت های سر سخاتنه روبرو شد و همین مقاومت مردم سبب غضب بیشتر تیمور میگردد، چنانکه در سیستان امر کرد تا بند های آب و منجمله بند معروف رستم بر رودخانه هیرمند را که سبب آن همه آبادی و عمران و سر سزی سیستان بود، خراب کنند. سپس دستور داد تا مردم زرنج قتل عام شوند. لشکریان تیمور سه روز تمام مردم شهر را قتل عام کردند. (شرف الدین علی یزدی، ظفرنامه، زیر عنوان سیستان دیده شود)

تیمور در زرنج از جمجمه هزاران انسان کله مناری ساخت و دو هزار انسان دیگر را زنده در دیواری جای داد. (راوندی، ج ۲، ص ۱۹۵)

همه تاریخ ها و از جمله تاریخ غبار، شهادت میدهند که علاوه بر قرار دادن هزاران آدم در سبزووار و کشتارهای عام چهل هزار انسان در زرنج تیمور لنگ برای نشان دادن حداعلی سفاکی و بیرحمی خود، هنگام برون رفتنش از سیستان دستور داد تا تمام بند های آب را از روی رودخانه هیرمند نیز خراب کنند. با تخریب بندهای آب در سیستان که زندگی مردم آن وابسته به آب و آبیاری از رودخانه هیرمند بود؛ سیستان کاملاً تخریب گردید و این خرابی ها چنان عمیق و تاریخی بوده است که تا امروز هم که هفت قرن از آن خرابیها میگذرد، در نیمروز شهرهایی چون: طاق، نوق، زرنج، چهل برج، قلعه سرخ و قلعه چخانسور، قلعه امیرمعن، قلعه چگینی و قلعه شوالها و غیره از عمران و سر سبزی افتادند و دیگر روی آبادی و آبیای را ندیدند. زیرا تیمور لنگ در سیستان بندهای معروفی چون بند "رستم" و بند "هاونک" و بند "یکه" تخریب نمود و بعد از جنوب هیرمند بسوی بست حرکت کرد و بست و قندهار را نیز ویران و غارت نموده به سمرقند رفت.

بنابراین مردم سیستان و هرات و اسفزار (سبزووار) و بست قندهار و سرزمینهای که تیمور آنها را فتح کرده بود، حق دارند تیمور را به زشتی یاد کنند چنانکه چنگیز و علاءالدین جهانسوز و امثال شان را به بدی یاد میکنند.